

بررسی نقش واسطه‌ای یادگیری خودتنظیمی در ارتباط بین کیفیت مشورت تحصیلی و تردید تحصیلی - شغلی در دانش‌آموزان دوره متوسطه

یاسر رضاپور میرصالح^۱، منیره اسماعیل بیگی ماهانی^۲، رضا خدایی^۳

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۰

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای یادگیری خودتنظیمی در ارتباط بین کیفیت مشورت تحصیلی و تردید تحصیلی - شغلی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه انجام شد. روش: مطالعه حاضر یک پژوهش همبستگی بود که با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان اردکان در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بودند. با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۲۹۴ نفر از این جامعه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مقیاس همدلی مشورتی و ارتباطی، بی‌تصمیمی تحصیلی - شغلی و یادگیری خودتنظیمی استفاده شد. در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از تحلیل همبستگی پیرسون و تحلیل معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که کیفیت مشورت تحصیلی علاوه بر اینکه می‌تواند به طور مستقیم بر تردید تحصیلی - شغلی دانش‌آموزان تأثیر بگذارد، می‌تواند با اثرگذاری بر یادگیری خودتنظیمی، تردید تحصیلی - شغلی را در دانش‌آموزان تحت تأثیر قرار دهد ($p < 0/01$) و شاخص‌های مدل پیش فرض پژوهش به برازش مطلوب رسیده اند. با این وجود، محاسبه ضریب مسیر

۱. استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

۲. کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

غیرمستقیم به شیوه بوت-استروپ نشان داد که تأثیر مستقیم بیشتر از تأثیر غیرمستقیم از طریق یادگیری خودتنظیمی بود. نتیجه‌گیری: با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که یادگیری خودتنظیمی در ارتباط بین کیفیت مشورت تحصیلی و تردید تحصیلی - شغلی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه نقش یک متغیر میانجی را ایفا می‌کند و از طریق افزایش کیفیت مشورت تحصیلی، هم می‌توان تردید تحصیلی - شغلی در دانش‌آموز را کاهش داد و هم می‌توان راهبردهای یادگیری خودتنظیمی را در آن‌ها افزایش داد که به نوبه خود منجر به کاهش تردید تحصیلی - شغلی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: کیفیت مشورت تحصیلی، تردید تحصیلی - شغلی، یادگیری خودتنظیمی، دانش‌آموزان

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و آسیب پذیرترین دوره‌های تحصیلی برای دانش‌آموزان، زمان انتخاب رشته تحصیلی است. مطالعات نشان می‌دهد که بسیاری از دانش‌آموزانی که تغییر رشته می‌دهند یا ترک تحصیل می‌کنند این کار را در طول سال اول انتخاب رشته تحصیلی انجام می‌دهند (لئونگ، شمسوب، تسانگ، اوو، ۲۰۱۵). عدم شناخت و آگاهی کافی دانش‌آموزان نسبت به رشته‌های تحصیلی، فرصت ندادن به آن‌ها برای انتخاب اولویت تحصیلی مورد علاقه و انتخاب رشته تحصیلی تحمیل شده از جمله علل و عوامل مهم در این زمینه به شمار می‌آید (استرینگر و کرپلمن، ۲۰۱۰).

آگاهی دانش‌آموزان از احساس نیاز به داشتن شغل پس از پایان تحصیلات خود، اغلب بر انتخاب رشته تحصیلی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. روند افزایشی دانشجویان به دانشگاه‌ها و تعهد دانش‌آموزان به اهداف تحصیلی - شغلی، احتمالاً قوی‌ترین عاملی است که بر انتخاب رشته، ادامه تحصیل و ورود آن‌ها به دانشگاه موثر است (آلوس و ریوسو، ۲۰۰۹). با توجه به ناپایداری و تنوع رغبت‌ها، سبک‌های تصمیم‌گیری، نقش‌های جنسیتی و عوامل اجتماعی-اقتصادی، یکی از عواملی که می‌تواند منجر به کاهش یا

1. Leung, N. K., Shamsub, H. Tsang, N. ,& Au, B

2. Stringer, K. J., & Kerpelman, J. L

3. Alves, H., & Raposo, M

افزایش مشکلات افراد در این زمینه شود، میزان تردید تحصیلی - شغلی فرد در حیطه تحصیل و اشتغال است (نگ و فلدمن^۱، ۲۰۰۹).

تردید تحصیلی - شغلی^۲ به هر نوع بلا تکلیفی، شک و تردید، ناتوانی در انتخاب و تصمیم‌گیری در حیطه تحصیلی و شغلی اطلاق می‌شود (براون و رکتور^۳، ۲۰۰۸) که معمولاً پیامد کمبود اطلاعات است (شفیع آبادی، ۱۳۹۲). تردید تحصیلی - شغلی به دو شکل بروز و ظهور می‌نماید یک شکل آن تاخیر در انتخاب و تصمیم‌گیری و شکل دیگر، احساس عدم بلوغ و بی‌کفایتی است (نگ و فلدمن، ۲۰۰۹). دانش‌آموزانی که با تردید تحصیلی - شغلی دست و پنجه نرم می‌کنند به دلیل عدم تعهد نسبت به اهداف تحصیلی و شغلی خود بیشتر احتمال دارد ترک تحصیل کنند. این دانش‌آموزان مستعد به تعویق انداختن تصمیمات، فاقد برنامه‌های بلند مدت علمی، اهداف شغلی و یا روان شناختی هستند (ولس^۴، ۲۰۰۸). برعکس دانش‌آموزانی که تصمیم قطعی در این زمینه گرفته‌اند، معتقداند که می‌توانند بر زندگی شخصی خود کنترل داشته باشند، در مورد خودشان احساس خوبی دارند، می‌توانند تصمیمی درست بگیرند و آینده تحصیلی و شغلی‌شان برای آن‌ها اهمیت دارد (نگ و فلدمن، ۲۰۰۹). مطالعات نشان می‌دهد که ویژگی‌های فردی مانند میزان اعتماد به نفس (امانوئل^۵، ۲۰۰۹)، سطوح اضطراب و نگرانی (نگ و فلدمن، ۲۰۰۹)، منبع کنترل (آیسیک^۶، ۲۰۱۳) و سبک‌های تصمیم‌گیری (براون و رکتور، ۲۰۰۸) به طور قابل ملاحظه‌ای با تردید تحصیلی - شغلی در ارتباط‌اند. بنابراین می‌توان از میزان تردید تحصیلی - شغلی در دانش‌آموزان به عنوان چارچوبی مهم در ادامه تحصیل و آماده شدن آن‌ها برای اشتغال و همچنین پیشگیری از مسائل و مشکلات فردی در این حیطه اشاره کرد.

1. Ng, T. W., & Feldman, D. C
2. Vocational Undecidedness
3. Brown, S. D., & Rector, C. C
4. Wells, R
5. Emmanuelle, V
6. Isik, E

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که کیفیت مشورت تحصیلی^۱ عامل مستقیمی است که بر تردید تحصیلی - شغلی تأثیر می‌گذارد (بروکس و کوکرن^۲، ۲۰۱۶). مشورت تحصیلی نوعی رابطه یاورانه فردی و گروهی، با هدف رشد فردی و کسب موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان انجام می‌شود (اینچسکو و روسکا^۳، ۲۰۱۴). زمینه‌های مختلف مشورت تحصیلی مواردی از جمله انتخاب رشته تحصیلی، راهنمایی شغلی، انتخاب مدرسه یا دانشگاه مناسب، پیشرفت برنامه‌های آموزشی، بررسی علل افت تحصیلی، اطلاع از قوانین و مقررات، و مسائل و مشکلات در حیطه تحصیل را شامل می‌شود (ریردون و برتوچ^۴، ۲۰۱۱). مطالعات نشان می‌دهد که افزایش سطح کیفی مشورت تحصیلی می‌تواند به دانش‌آموزان در آموزش شیوه‌های صحیح مطالعه، کمک به مسایل و مشکلات مربوط به مدرسه و انتخاب رشته تحصیلی منطبق با توانایی‌ها، استعدادها و نیازهایشان کمک قابل توجهی نماید (کاسیو^۵، ۲۰۰۵). کیفیت مشورت تحصیلی خصوصاً برای دانش‌آموزان، سال اول انتخاب رشته تحصیلی اهمیت خاصی دارد، مطالعات نشان می‌دهد که درصد پایینی از دانش‌آموزان در رشته مورد علاقه خود تحصیل می‌کنند و همین عامل منجر به تغییر رشته یا عدم ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلی بالاتر می‌شود (لئونگ، شمسوب، تسانگ، اوو، ۲۰۱۵).

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند با تردید تحصیلی - شغلی در دانش‌آموزان ارتباط داشته باشد، یادگیری خودتنظیمی^۶ است. یادگیری خودتنظیمی به فعالیت‌ها و فرآیندهای هدایت شده برای کسب اطلاعات، برنامه‌ریزی، تعیین اهداف، سازماندهی، خود نظارتی و خود ارزیابی در جوانب گوناگون در طی فرآیند حصول یادگیری اطلاق

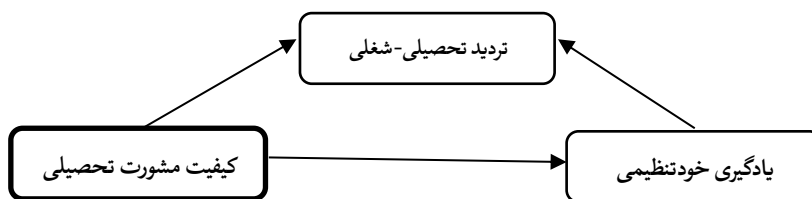
1. Academic counseling quality
2. Brooks, T. P., & Cochran, J. L
3. Enachescu, V. A., & Rosca, V
4. Reardon, R. C., & Bertoch, S. C.
5. Cuseo, J
6. self-regulated learning

می‌شود (کاما‌هلن^۱، ۲۰۰۶). بدون شک همه یادگیرندگان تا حدودی از مهارت‌های خود تنظیمی استفاده می‌کنند، اما یادگیرندگان خودتنظیم کننده، از طریق آگاهی از روابط مهم بین فرآیندهای خود نظارتی با نتایج یادگیری متمایز می‌شوند. استفاده از این راهکارها برای دستیابی به اهداف تحصیلی از جمله ویژگی‌های کلیدی و مهم دانش‌آموزانی است که مهارت‌های خودتنظیمی بالایی دارند (بوکارترس و کورنو^۲، ۲۰۰۵). برخلاف همکلاسی‌های منفعل خود، دانش‌آموزان خودتنظیم، در صورت لزوم اطلاعات را فعالانه جستجو می‌کنند و تکالیف خود را به خوبی انجام می‌دهند و می‌توانند مسیر آموزشی و تحصیلی خود را هدایت کنند (کاما‌هلن، ۲۰۰۶). هنگامی که آن‌ها با موانع و مشکلاتی مانند شرایط تحصیلی نامساعد، آموزش نامناسب و یا متون پیچیده درسی مواجه می‌شوند، راهی برای موفقیت خود پیدا می‌کنند (کوزنین^۳، ۲۰۰۷). یادگیری خودتنظیمی پایین در فرد منجر به این می‌شود که فرد در انجام وظایف و تکالیف تحصیلی، اعتماد به نفس و خودکارآمدی پایینی را تجربه کند و در طول تحصیل، تلاش و پشتکار چندانی از خود نشان ندهند (بروکس و کوکرن، ۲۰۱۶) و این امر در نهایت منجر به افزایش تردید شغلی - تحصیلی در آن‌ها می‌شود.

به نظر می‌رسد یادگیری خودتنظیمی به صورت غیرمستقیم در رابطه بین کیفیت مشورت تحصیلی و تردید تحصیلی - شغلی نقش یک متغیر میانجی ایفا می‌کند. به طوری که مشورت تحصیلی با کیفیت از طریق آشنایی سازی دانش‌آموزان با مهارت‌های تحصیلی، فنون و روش‌های یادگیری و ارائه اطلاعات صحیح (شمس، فرشیدفرد، حسن زاده، ۱۳۷۹)، باعث می‌شود که فرد با برنامه‌ریزی وظایف و تکالیف تحصیلی خود را انجام داده، مهارت‌های خود بسته به موقعیت و شرایط پیش رو به کار برده و تلاش‌ها و کوشش‌هایش را در مسیر رسیدن به اهدافش تنظیم کند (کاما‌هلن، ۲۰۰۶). این

1. Camahalan, F. M. G.
2. Boekaerts, M & Corno, L
3. Kosnin, A. M

خودتنظیمی نیز به نوبه خود منجر به افزایش قدرت تصمیم‌گیری و نهایتاً کاهش سردرگمی و تردید تحصیلی - شغلی در آن‌ها می‌گردد (فیلیپس و جوم^۱، ۲۰۰۵). با توجه به ارتباط نظری و پژوهشی بین متغیرها، الگوی پیش‌فرض ارتباط بین متغیرهای کیفیت مشورت تحصیلی، تردید تحصیلی - شغلی و یادگیری خودتنظیمی را می‌توان با استفاده از شکل ۱ نمایش داد..



شکل ۱: مدل پیش‌فرض یادگیری خودتنظیمی به عنوان یک متغیر میانجی در ارتباط بین کیفیت مشورت تحصیلی و تردید تحصیلی - شغلی

با توجه به اینکه تردید تحصیلی پیامدهای منفی در آینده دانش‌آموزان دارد پس بررسی عوامل موثر بر آن ضروری است (کاسیو، ۲۰۰۵) و شناخت بیشتر در این زمینه می‌تواند در افزایش کیفیت تحصیل، آگاهی کافی از مسیر تحصیلی و شغلی و پیشگیری از آسیب‌های احتمالی که متوجه دانش‌آموزان است، موثر باشد. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، به بررسی نقش واسطه‌ای یادگیری خودتنظیمی در ارتباط بین کیفیت مشورت تحصیلی و تردید تحصیلی - شغلی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه می‌پردازد.

روش

مطالعه حاضر یک پژوهش همبستگی بود که با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان اردکان در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بود. تعداد کل جامعه بالغ بر ۱۱۰ نفر بود.

1. Phillips, S. D., & Jome, L. M

نمونه‌گیری با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شد. به این صورت از بین کلیه مدارس متوسطه، ۳ مدرسه پسرانه و ۳ مدرسه دخترانه به تصادف انتخاب شد و سپس از هر مدرسه ۲ کلاس به طور تصادف انتخاب و تمام دانش‌آموزان آن کلاس‌ها برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. حجم نمونه با توجه به حجم جامعه، براساس معیار جدول کرجسی و مورگان^۱ (۱۹۷۰)، ۲۹۴ انتخاب شد. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از سابقه مشاوره تحصیلی حداقل یکبار در سه ماه گذشته از تاریخ تکمیل پرسشنامه و همچنین در دوره انتخاب رشته، تمایل به شرکت در پژوهش و ملاک‌های خروج سابقه بزهکاری و بیماری خاص روانی بود. پس از انتخاب شرکت‌کنندگان، جلب موافقت و توضیح اهداف پژوهش برای آن‌ها، پرسشنامه‌ها به صورت گروهی بین آن‌ها توزیع شد. زمان اجرای پرسشنامه در ساعت مورد توافق کلیه اعضای شرکت‌کننده انجام شد. اجرای پرسشنامه به صورت گروهی انجام شد. پرسشنامه شرکت‌کنندگانی که موفق به تکمیل کامل آن نمی‌شدند، کنار گذاشته می‌شد. ملاحظات اخلاقی در این پژوهش شامل: توضیحات کامل درباره اهداف و روش کار، محترم شمردن حقوق شرکت‌کنندگان در رابطه با قطع یا ادامه همکاری، عدم ذکر نام آن‌ها در فرم‌های اطلاعاتی به جهت محرمانه بودن، ارائه نتایج پژوهش به شرکت‌کنندگانی که مایل به دریافت نتایج پژوهش بودند و ارائه نتایج به سازمان آموزش و پرورش شهرستان اردکان، جهت استفاده از آن در امور آموزشی بود. از پرسشنامه‌های زیر برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش استفاده شد:

الف) مقیاس همدلی مشورتی و ارتباطی^۲: برای ارزیابی کیفیت مشورت تحصیلی ارائه

شده در مدرسه از مقیاس همدلی مشورتی و ارتباطی استفاده شد. این پرسشنامه توسط مرسر^۳ و همکاران در سال ۲۰۰۴ ساخته شده و شامل ۱۰ سوال می‌باشد که در یک طیف

1. Krejci & Morgan.

2. Consultation and relational empathy scale.

3. Mercer, S. W

۶ درجه ای لیکرت از ۱ اصلاً اینگونه نبود تا ۶ عالی بود نمره گذاری می شود. هدف این پرسشنامه ارزیابی توانایی‌های مشاور با استفاده از یک رویکرد مراجع محور است و توانایی‌های مشاور در نحوه‌ی مشورت دادن و کیفیت همدلی او را مورد ارزیابی قرار می دهد. آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۹۲ بدست آمد. روایی سازه ای این پرسشنامه نشان داد که یک مقیاس تک عاملی است و شامل هیچ زیرمقیاسی نمی شود. سؤالات این پرسشنامه با استفاده از مصاحبه با ۲۰ مراجع و استفاده از نظر متخصصان طراحی شد و برای بررسی روایی صوری و محتوایی از نظرات همه‌ی افراد استفاده شد (گالسیچ^۱، ۱۹۸۲). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر کیفیت مشاوره تحصیلی ۰/۹۱ بدست آمده است.

ب) پرسشنامه یادگیری خود تنظیمی: این پرسشنامه توسط بوفارد^۲ و همکارانش در سال ۱۹۹۵ میلادی براساس نظریه شناختی بندورا^۳ طراحی شده و توسط کدیور در ایران هنجاریابی شده و دارای ۱۴ سوال است. شیوه نمره‌گذاری با استفاده از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (از اصلاً تا خیلی زیاد) انجام می شود و دارای دوزیرمقیاس شناختی و فراشناختی است. برای تعیین روایی سازه آن نتایج تحلیل عاملی نشان داده است که این ابزار قادر است ۰/۵۲ از واریانس خودتنظیمی را تبیین نماید. همچنین کدیور در سال ۱۳۸۰ ضریب پایایی کلی پرسشنامه را براساس آلفای کرونباخ ۰/۷۱ گزارش کرده است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر یادگیری خود تنظیمی ۰/۷۵ بدست آمد.

ج) پرسشنامه بی تصمیمی تحصیلی - شغلی: این پرسشنامه توسط اُسیپو^۴ در سال ۱۹۷۶ به منظور ارزیابی تردید تحصیلی - شغلی در دانش‌آموزان طراحی شد. پرسشنامه مشتمل بر ۱۸ سوال می باشد و در یک طیف ۴ درجه‌ای لیکرت از ۱ (اصلاً درست نیست) تا ۴ (کاملاً درست است) نمره‌گذاری می شود. اعتبار بازآزمایی این آزمون در

1. Gallessich, J
2. Bouffard, T
3. Bandura, A
4. Osipow, S.H

فاصله يك هفته از ۲ بار اجرای آن برای هر ۱۸ سوال از ۳۵/۰ تا ۹/۰ بدست آمد. تحلیل عاملی این پرسشنامه نشان داد که هر ۱۸ گویه، بار عاملی معناداری روی یک عامل دارد و در نتیجه این پرسشنامه از روایی سازه معنی‌داری برخوردار است. سازندگان این آزمون، روایی همگرایی بین نمرات این آزمون و رضایت از انتخاب رشته تحصیلی بدست آوردند. این پرسشنامه به عنوان یکی از معتبرترین پرسشنامه‌های سنجشی میزان تردید تحصیلی - شغلی است که براساس نظریه انتخاب شغل اُسیپو ساخته شده است. طراحی سؤالات بر مبنای این نظریه صورت گرفته و روایی محتوایی آن به تأیید متخصصین مشاوره تحصیلی رسیده است (اسیپو و همکاران، ۱۹۷۶). در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر کیفیت مشاوره تحصیلی ۹۲/۰ بدست آمده است.

یافته‌ها

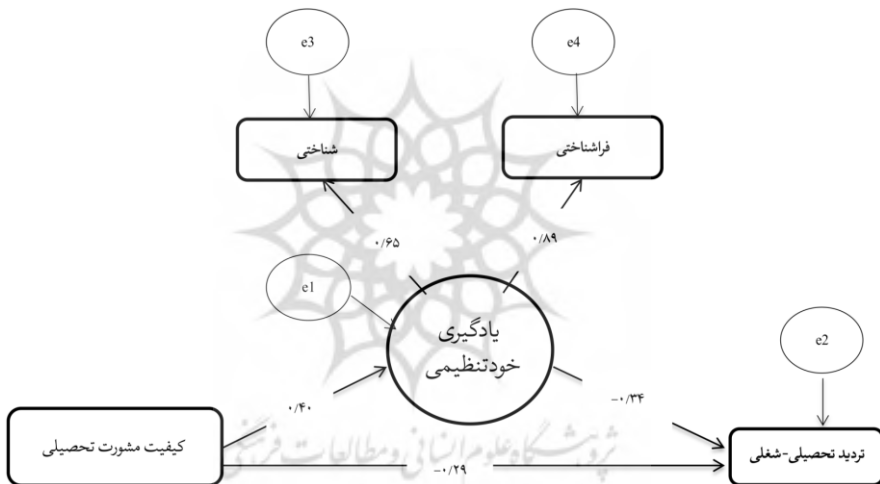
میانگین سن شرکت‌کنندگان پژوهش ۱۵/۷۹ و انحراف استاندارد آن ۱/۰۲ بود. ۱۶۳ نفر از شرکت‌کنندگان پسر (۵۵ درصد) و ۱۳۱ نفر نیز دختر (۴۵ درصد) بودند. میانگین معدل دانش‌آموزان نیز ۱۷/۳۳ با انحراف استاندارد ۱/۴۸ بود. ۱۲۴ دانش‌آموز شرکت‌کننده در پژوهش (۴۲ درصد) در پایه دهم مشغول به تحصیل بودند، ۹۷ نفر (۳۳ درصد) در پایه یازدهم و ۷۳ نفر (۲۵ درصد) در پایه دوازدهم مشغول به تحصیل بودند. میانگین و انحراف معیار نمرات شرکت‌کنندگان پژوهش و همچنین همبستگی دوگانه بین متغیرها در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و همبستگی دوگانه متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	میانگین	۲	۱	
۸/۶۰۶	۲۳/۰۱۷		۱	۱- کیفیت مشورت تحصیلی
۸/۰۸۲	۴۴/۹۹۱	۱	۰/۵۱۴*	۲- یادگیری خودتنظیمی
۹/۳۱۹	۳۹/۰۰۸	-۰/۴۴۱*	-۰/۴۳۴*	۳- تردید تحصیلی - شغلی

* < ۰/۰۱ p

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، تردید تحصیلی - شغلی با هر دو متغیر کیفیت مشورت تحصیلی و یادگیری خودتنظیمی همبستگی منفی معنی‌داری داشت. همچنین کیفیت مشورت تحصیلی و یادگیری خودتنظیمی نیز همبستگی مثبت معنی‌داری داشتند ($p < 0/01$). به منظور آزمون فرضیه اصلی پژوهش یعنی نقش واسطه‌ای یادگیری خودتنظیمی در ارتباط بین کیفیت مشورت تحصیلی و تردید تحصیلی - شغلی در دانش‌آموزان از تحلیل معادلات ساختاری استفاده شد که در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل نهایی نقش واسطه‌ای یادگیری خودتنظیمی در ارتباط بین کیفیت مشورت تحصیلی و تردید تحصیلی - شغلی (تمامی ضریب‌ها در سطح $p < 0/01$ معنی‌دار هستند)

شاخص‌های برازش مدل نهایی نشان داد که همگی به حد برازش مطلوب رسیده‌اند. شاخص مجذور کای غیرمعنی‌دار ($X^2 = 1/283$, $p = 0/103$)، شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب کمتر از $0/08$ ($RMSEA = 0/049$) و شاخص‌های $GFI = 0/99$ ، $NFI = 0/98$ و $CFI = 0/99$ همگی بالاتر از $0/9$ بودند. ضریب استاندارد مسیر غیرمستقیم

کیفیت مشورت تحصیلی به تردید تحصیلی - شغلی با میانجی‌گری یادگیری خودتنظیمی از طریق روش بوت - استروپ ($\beta = -0/107$ ، $p < 0/01$) معنی‌دار بود و نشان می‌داد اثر واسطه‌ای متغیر یادگیری خودتنظیمی مابین کیفیت مشورت تحصیلی و تردید تحصیلی - شغلی معنی‌دار است. با این وجود، ضریب مسیر مستقیم کیفیت مشورت تحصیلی به تردید تحصیلی - شغلی ($\beta = -0/29$) بالاتر از ضریب غیرمستقیم این رابطه با واسطه‌گری خودتنظیمی تحصیلی ($\beta = -0/107$) بود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که همبستگی بین کیفیت مشورت تحصیلی و تردید تحصیلی - شغلی منفی و معنی‌دار است (جدول ۱). به عبارت دیگر با افزایش کیفیت مشورت تحصیلی در دانش‌آموزان، تردید تحصیلی - شغلی در آن‌ها کاهش می‌یابد. این یافته‌ها به طور کلی با یافته‌های پژوهش بروکس و کوکرن (۲۰۱۶) همسوست. این پژوهشگران در مطالعه خود به بررسی شرایط مهم در مشاوره از جمله ایجاد ارتباط روانشناختی، پذیرش و توجه به عنوان عناصر مهم در تصمیم‌گیری شغلی و حرفه‌ای دانش‌آموزان پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که برقراری ارتباط مشاوره‌ای مناسب، توجه به نیازهای مراجعان و ارزیابی اطلاعات آن‌ها منجر به کارآمدی هرچه بیشتر مشاوره و کاهش تردید تحصیلی - شغلی در آن‌ها می‌شود. همچنین کاسیو (۲۰۰۵) در مطالعه خود به بررسی روند تصمیم‌گیری تحصیلی و شغلی در دانش‌آموزان با توجه به انتخاب رشته دانشگاهی و همچنین پیامدهای عملی آن جهت بهبود برنامه‌ریزی‌های طولانی مدت تحصیلی و حرفه‌ای پرداخت. نتایج مطالعه او نشان داد رضایت دانش‌آموزان و دانشجویان از خدمات موسسه آموزشی سازگار با توانایی‌ها، منافع و ارزش‌های آن‌ها، پیشبین‌کننده مناسبی جهت انتخاب رشته تحصیلی مناسب و اشتغال آن‌ها در آینده است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که کیفیت مشورت

تحصیلی طیف وسیعی از راهنمایی‌ها و خدمات را در بر می‌گیرد تا دانش‌آموزان بتوانند توانایی‌ها و نیز محدودیت‌های خود را شناخته و از امکانات موجود حداکثر استفاده را به عمل آورد (ریردون و برتوچ، ۲۰۱۱). مشاوران با طرح‌ریزی برنامه و هدف‌گذاری دقیق برای دانش‌آموزان باعث پیشرفت تحصیلی، افزایش انگیزش و قدرت تصمیم‌گیری همچنین کاهش سردرگمی در زمینه‌های مختلف انتخاب رشته، ادامه تحصیل و اشتغال آن‌ها در آینده می‌شوند (بروکس و کوکرن، ۲۰۱۶). مشورت تحصیلی مناسب و درست به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با در اختیار داشتن دانش و آگاهی کافی مسیر تحصیلی و شغلی خود را مدیریت کنند و با تامل و درون‌نگری، قاطعانه تصمیمی درست برای آینده تحصیلی و شغلی خود اتخاذ نمایند (گالسیچ، ۱۹۸۲).

نتایج تحلیل همبستگی همچنین نشان داد که یادگیری خودتنظیمی با تردید تحصیلی - شغلی همبستگی منفی و معنی‌داری دارد. به عبارت دیگر، با افزایش یادگیری خودتنظیمی، تردید تحصیلی - شغلی در دانش‌آموزان کاهش می‌یابد. این یافته‌ها به طور کلی با یافته‌های پژوهش بوکارتس و کورنو (۲۰۰۵) همسواست. این پژوهشگر در مطالعه خود به بررسی خودتنظیمی به عنوان یک فرآیند پیچیده شناختی در دانش‌آموزان پرداخت. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که دانش‌آموزانی که از مهارت‌های خودتنظیم استفاده می‌کنند، نمرات بهتری کسب می‌کنند و در حیطه تحصیل و اشتغال در آینده موفق‌ترند. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که می‌توان از طریق آموزش، مهارت‌های خودتنظیمی را در دانش‌آموزان افزایش داد. همچنین نتایج مطالعه بوکارتس و روزندال^۱ (۲۰۰۷) نشان داد که استفاده از استراتژی خودتنظیمی با اهداف شغلی، سطوح اطمینان و بهزیستی در دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که دانش‌آموزانی که یادگیری خودتنظیمی بالایی دارند، به استفاده منظم از راهبردهای شناختی، انگیزشی و رفتاری از هم‌کلاسی‌های منفعل خود متمایز می‌شوند.

آن‌ها نسبت به توانایی‌ها و مهارت‌های خود آگاه بوده و با اعتماد به نفس و پشتکار به انجام وظایف تحصیلی خود می‌پردازند (کاماهلن، ۲۰۰۶). این یادگیرندگان، فراگیری و حصول دانش را به عنوان یک فرایند منظم و قابل کنترل در نظر گرفته و نسبت به نتایج و دستاوردهای خود مسئولیت بیشتری را می‌پذیرند (کوزین، ۲۰۰۷). این دانش‌آموزان، اهداف مشخص و معینی دارند. در مورد حرفه و شغل آینده خود تصمیم قاطع گرفته‌اند و تنها وظیفه آن‌ها یکپارچه سازی برنامه‌ها و اولویت‌های آن‌ها در این حیطه است (کاماهلن، ۲۰۰۶). مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد یادگیری خودتنظیمی به عنوان عاملی مهم در خودکارآمدی شغلی (دی برین و هیوز، ۲۰۱۲)، افزایش عملکرد تحصیلی (بوکارتس و کورنو، ۲۰۰۵) و مواردی از این دست به شمار می‌آید. شناخت بیشتر یادگیری خودتنظیمی به طور فزاینده‌ای منجر به پیش‌بینی و ارائه راهکاری‌های اساسی به دانش‌آموزانی می‌شود که به دلیل بی‌تصمیمی، اهداف نامشخص، بی‌انگیزگی و بی‌کفایتی در تصمیم‌گیری‌های تحصیلی و شغلی خود به شیوه‌ای منفعلانه عمل می‌کنند.

نتایج تحلیل همبستگی همچنین نشان داد که کیفیت مشورت تحصیلی با یادگیری خودتنظیمی همبستگی مثبت معنی داری دارد. به عبارت دیگر، با افزایش کیفیت مشورت تحصیلی، یادگیری خودتنظیمی در دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. این یافته‌ها به طور کلی با یافته‌های پژوهش شمس، فرشیدفرد و حسن زاده (۱۳۷۹) همسواست. این پژوهشگران در مطالعه خود به بررسی تاثیر مشاوره بر بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان دارای افت تحصیلی پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها برتأثیر حتمی مداخلات و حمایت‌های کارشناسانه از دانشجویان در رویارویی با مشکلات محیطی، عاطفی و تحصیلی تأکید می‌کند. همچنین رجایی، احمدی و عابدی (۱۳۸۳) در پژوهش خود به بررسی تاثیر مشورت تحصیلی گروهی بر مهارت‌ها و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

متوسطه پرداختند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که مشورت تحصیلی گروهی باعث افزایش مهارت‌های تحصیل و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان می‌شود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که اعتماد به مشاوره، اطمینان به امانت‌داری، مهارت در گوش دادن، درک مسائل و تجزیه و تحلیل آن‌ها، شناخت استعدادها و توانایی‌های افراد و استقلال عمل شاید مهم‌ترین عامل‌هایی باشند که کارآمدی مشاور را تضمین می‌کنند (اینچسکو و روسکا، ۲۰۱۴). مشورت تحصیلی کارآمد با شناخت دانش‌آموزان در زمینه‌های گوناگون می‌تواند علاوه بر راهنمایی آن‌ها به رشته‌های تحصیلی مناسب، به آنان در بهبود مهارت‌هایی همچون آموزش شیوه‌های صحیح مطالعه، کمک به مسایل و مشکلات مربوط به مدرسه و رساندن آن‌ها به خودباوری بیشتر یاری دهد (ریردون و برتوچ، ۲۰۱۱). تحقیقات نشان می‌دهد که مشورت تحصیلی مناسب به دانش‌آموزان در زمینه‌های برنامه‌ریزی، تأیید تصمیم، بازنگری اطلاعاتی که تصمیم‌گیری براساس آن بوده، دریافت اطلاعات، اجرای تصمیم‌گیری و مدیریت مسیر تحصیلی و زندگی خود کمک کرده (رجایی، احمدی و عابدی، ۱۳۸۳) و در نتیجه آن منجر به افزایش یادگیری خودتنظیمی و راهبردهای مربوط به آن در آن‌ها می‌شود.

به طور کلی، یافته‌های این پژوهش نشان داد که یادگیری خودتنظیمی به عنوان یک عامل میانجی در ارتباط بین کیفیت مشورت تحصیلی با تردید تحصیلی - شغلی در دانش‌آموزان عمل می‌کند. لذا با تکیه بر یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت دانش‌آموزانی که مشورت تحصیلی با کیفیت پایینی را دریافت می‌کنند، به دلیل کمبود اطلاعات، اغلب انتخاب‌های شان فاقد هرگونه دلیل موجه و منطقی است و معیارهای نامناسب براساس انتخاب‌های دیکته شده دیگران برمی‌گزینند (استرینگر و کرپلمن، ۲۰۱۰). در نتیجه این انتخاب نسبت به استعدادها، توانایی‌ها، محدودیت‌ها و امکانات موجود در زمینه‌های تحصیلی، شناخت و آگاهی کافی را کسب نکرده، در هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب با مشکل مواجه می‌شوند (فیلیپس و جوم، ۲۰۰۵). این امر باعث می‌شود که این افراد مهارت‌های خود را با توجه به شرایط و موقعیت تنظیم نکنند و

نتوانند مسیر آموزشی خود را هدایت کنند (بروکس و کوکرن، ۲۰۱۶). در نتیجه در تصمیم‌گیری دچار مشکل شده و تردید تحصیلی - شغلی در آن‌ها افزایش می‌یابد (فیلیپس و جوم، ۲۰۰۵). بنابراین می‌توان با افزایش سطح کیفی مشورت تحصیلی، خصوصاً با تأکید بر خود تنظیمی تحصیلی، به کاهش میزان تردید تحصیلی - شغلی دانش‌آموزان کمک کرد.

با این وجود، محدودیت‌هایی وجود داشت که نتایج پژوهش حاضر را تا اندازه‌ای تحت تأثیر قرار می‌داد و لازم است در پژوهش‌های آتی به این محدودیت‌ها دقت نظر بیشتری شود تا نتایج دقیق‌تری در این زمینه بدست آید و راهکارهای پیشنهادی با اطمینان بیشتری اجرا شوند. محدودیت اول این بود که به علت طولانی شدن پژوهش، متغیرهای مداخله‌گری که می‌توانست مدل ارائه شده در پژوهش حاضر را تحت تأثیر قرار دهد، مانند وضعیت اقتصادی و درآمد ماهانه خانواده‌ها و سابقه کار مشاوران، مورد بررسی قرار نگرفت که پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی این مهم را مدنظر قرار دهند. این پژوهش صرفاً محدود به مدارس دولتی در شهرستان اردکان بود که تعمیم نتایج پژوهش را به مدارس غیردولتی که ممکن است امکانات متفاوت‌تری در اختیار داشته باشند، تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای تعمیم بهتر نتایج این پژوهش، مطالعات مشابهی در مدارس دولتی و غیردولتی به طور مقایسه‌ای انجام شود. همچنین پیشنهاد می‌شود مطالعه‌های مشابه در دانش‌آموزان شهرهای بزرگ‌تر کشور نیز انجام شود و نتایج حاصل با هم مقایسه شود. به مسئولین آموزش و پرورش نیز پیشنهاد می‌شود که برای کاهش مشکلات و مسایل دانش‌آموزان در زمینه‌های انتخاب رشته و ادامه تحصیل، دوره‌ها و کارگاه‌هایی برای مشاوران مدارس، جهت آموزش و ارتقاء سطح کیفی مشورت تحصیلی برگزار کنند. همچنین در پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود که در این زمینه مطالعه‌ی اثربخشی انجام شود تا این ادعا که افزایش سطح کیفی مشورت تحصیلی و یادگیری خودتنظیمی منجر به کاهش تردید تحصیلی - شغلی در دانش‌آموزان

می‌شود در عمل مورد آزمون قرار گیرد.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله، از شرکت‌کنندگان پژوهش و کلیه افرادی که برای انجام این پژوهش با محققان همکاری کردند، کمال تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

- رجایی، م.، احمدی، س.ا.، عابدی، م. (۱۳۸۳). تاثیر مشاوره تحصیلی بر مهارت‌ها و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه اصفهان. مجله پژوهش‌های مشاوره، ۳ (۱۲)، ۴۱-۵۲.
- شفیع‌آبادی، ع. (۱۳۹۲). راهنمایی و مشاوره شغلی و نظریه‌های انتخاب شغل (با تجدید نظر کلی و اضافات). چاپ دوم، تهران: انتشارات رشد.
- شمس، ب.، فرشیدفرد، م.، حسن زاده، ا. (۱۳۷۹). تاثیر مشاوره بر بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان دارای افت تحصیلی ارزیابی مرحله مداخله از طریق مشاوره تحصیلی و روان‌شناختی دانشجویان با افت تحصیلی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱(۱)، ۳۶-۴۱.
- کدیور، پ. (۱۳۸۰). بررسی سهم باورهای خودکارآمدی - خودگردانی - هوش - پیشرفت درسی دانش‌آموزان به منظور ارائه الگویی برای یادگیری بهینه. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- Alves, H., & Raposo, M. (2009). The measurement of the construct satisfaction in higher education. *The service industries journal*, 29(2), 203-218.
- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. Macmillan.
- Boekaerts, M., & Corno, L. (2005). Self-regulation in the classroom: A perspective on assessment and intervention. *Applied Psychology*, 54(2), 199-231
- Boekaerts, M., & Rozendaal, J. S. (2007). New insights into the self-regulation of writing skills in secondary vocational education. *Zeitschrift für Psychologie/Journal of Psychology*, 215(3), 164-173.
- Bouffard, T., Boisvert, J., Vezeau, C., & Larouche, C. (1995). The impact of goal orientation on self-regulation and performance among college students. *British journal of educational psychology*, 65(3), 317-329.
- Brooks, T. P., & Cochran, J. L. (2016). The core conditions in counseling chronically undecided career decision-makers. *Person-Centered & Experiential Psychotherapies*, 15(2), 142-155.
- Brown, S. D., & Rector, C. C. (2008). Conceptualizing and diagnosing problems in vocational decision making. *Handbook of counseling psychology*, 4, 392-407.
- Bryan, J., Moore-Thomas, C., Day-Vines, N. L., & Holcomb-McCoy, C. (2011).

- School counselors as social capital: The effects of high school college counseling on college application rates. *Journal of Counseling & Development*, 89(2), 190-199.
- Camahalan, F. M. G. (2006). Effects of self-regulated learning on mathematics achievement of selected Southeast Asian children. *Journal of Instructional Psychology*, 33(3), 194-206.
 - Cuseo, J. (2005). Decided, undecided, and in transition: Implications for academic advisement, career counseling, and student retention. *Improving the first year of college: Research and practice*, 27-48.
 - de Bruin, K., & Hughes, G. (2012). Career Decision Self-Efficacy and Self-Directed Learning Among Women University Students: A Cross-Cultural Study. *Journal of Psychology in Africa*, 22(1), 61-68.
 - Emmanuelle, V. (2009). Inter-relationships among attachment to mother and father, self-esteem, and career indecision. *Journal of Vocational Behavior*, 75(2), 91-99.
 - Enachescu, V. A., & Rosca, V. (2014). Educational Counseling Approach for the Romanian Educational System. *Revista de Management Comparat International*, 15(3), 321.
 - Epstein, J., & Van Voorhis, F. (2010). School counselors' roles in developing partnerships with families and communities for student success. *Professional School Counseling*, 14(1), 1-14.
 - Gallessich, J. (1982). The practice and profession of consultation. *San Francisco: Brunner/Mazel*.
 - Guiffrida, D. A. (2005). The Emergence Model: An Alternative Pedagogy for Facilitating Self-Reflection and Theoretical Fit in Counseling Students. *Counselor Education and Supervision*, 44(3), 201-213.
 - Isik, E. (2013). Perceived Social Support and Locus of Control as the Predictors of Vocational Outcome Expectations. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 13(3), 1426-1430.
 - Kosnin, A. M. (2007). Self-regulated learning and academic achievement in Malaysian undergraduates. *International Education Journal*, 8(1), 221-228.
 - Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and psychological measurement*, 30(3), 607-610.
 - Leung, N. K., Shamsub, H., Tsang, N., & Au, B. (2015). Using knowledge management to improve learning experience of first-trimester students. *Knowledge Management & E-Learning*, 7(2), 297-315.
 - Mercer, S. W., Maxwell, M., Heaney, D., & Watt, G. (2004). The consultation and relational empathy (CARE) measure: development and preliminary validation and reliability of an empathy-based consultation process measure. *Family practice*, 21(6), 699-705.
 - Ng, T. W., & Feldman, D. C. (2009). Personality, social relationships, and vocational indecision among college students: The mediating effects of identity construction. *Career Development International*, 14(4), 309-332.

- Osipow, S. H., Carney, C. G., & Barak, A. (1976). A scale of educational-vocational undecidedness: A typological approach. *Journal of Vocational Behavior*, 9(2), 233-243.
- Phillips, S. D., & Jome, L. M. (2005). Vocational choices: What do we know? What do we need to know. *Handbook of vocational psychology*, 127-153.
- Reardon, R. C., & Bertoch, S. C. (2011). Revitalizing Educational Counseling: How Career Theory Can Inform a Forgotten Practice. *Professional Counselor*, 1(2), 109-121.
- Stringer, K. J., & Kerpelman, J. L. (2010). Career identity development in college students: Decision making, parental support, and work experience. *Identity: An International Journal of Theory and Research*. 200-181, (3)10.
- Wells, R. (2008). The effects of social and cultural capital on student persistence: Are community colleges more meritocratic?. *Community College Review*, 36(1), 25-46.

